

سیر تحولات بودجه در بخش عمومی

فرشته شیردلی^۱ و علیرضا شیردلی^۲

۱ کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

۲ کارشناسی ارشد مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، زاهدان، ایران.

نویسنده مسئول

shirdeli. fereshteh72@gmail.com

چکیده

سیستم بودجه بندی به عنوان یکی از خرده نظام های موثر در نظام پاسخگویی نهادهای بزرگ بخش عمومی مطرح شده و از دیر باز شرایطی برای تعیین حدود و سطح ایفا و ارزیابی فرآیند مسوولیت پاسخگویی فراهم شده است. نگاهی اجمالی به سیر تطور تحولات بودجه بندی در کشورهای مختلف، همبستگی تحولات بودجه بندی را با تحولات نظام پاسخگویی به خوبی نشان می دهد. هم چنین از ضرورت های اصلاح ساختار اقتصادی بخش عمومی، اصلاح روش های بودجه ریزی و توزیع منابع آن می باشد. از آنجایی که اختصاص هدفمند اعتبار به فعالیت های هر سازمان می تواند ضمن شفاف سازی نحوه توزیع منابع، امکان پایش عملیاتی و انتظار برای دسترسی به نتایج هزینه ها را فراهم سازد، استفاده از روش بودجه بندی موثر و مناسب، گام موثری در افزایش کارایی و اثربخشی اعتبارات خواهد بود. با توجه به حرکت رو به رشد اصلاحات در ارائه خدمات بخش عمومی، اصلاح روند بودجه ریزی با تکیه بر هماهنگی های فرابخشی و درون بخشی از جمله اهداف دفتر برنامه ریزی منابع مالی و بودجه به شمار می رود و این امر تنها در سایه تعامل و ایجاد زبان مشترک برنامه ریزی و بودجه بندی در فرآیند تدوین بودجه میسر خواهد گردید. در این مجال بر آنیم که به ضرورت ها و مفاهیم مرتبط با بودجه پرداخته، بستر همفکری و همکاری واحدهای زیر مجموعه بخش عمومی را در دستیابی به یک روش مناسب توزیع اعتبار فراهم نماییم.

واژگان کلیدی: بودجه ریزی متداول، بودجه ریزی افزایشی، بودجه ریزی برنامه ای، بودجه ریزی عملیاتی، بودجه ریزی بر مبنای فعالیت.

۱- مقدمه

بودجه بندی دولتی در سیر تحول تاریخی خود متناسب با نقش دولت ها در اداره امور جامعه، شیوه های گوناگونی را تجربه کرده است. این موضوع، در تعریف بودجه نیز موثر بوده و متناسب با تغییر نقش دولت ها در امور اجتماعی و اقتصادی جامعه، تعریف بودجه ارتقا یافته و تکمیل تر شده است. تا قبل از تشکیل کمیسیون هور در ایالات متحده آمریکا، نظام بودجه بندی این کشور و سایر کشورهای جهان از روش متداول استفاده می کرد و از سال ۱۹۴۹ و بنا به پیشنهاد این کمیسیون، روش بودجه بندی برنامه ای در دستور کار قرار گرفت. از آن زمان تاکنون در آمریکا و برخی کشورهای توسعه یافته دیگر نظیر انگلیس، استرالیا، نیوزیلند، کانادا و برخی کشورهای در حال توسعه تلاش های زیادی برای تغییر نظام بودجه بندی از برنامه ای به عملیاتی به عمل آمده است. برخی از این کشورها، در انجام این امر موفق بوده و برخی دیگر به تلاش های خود برای تحقق این امر ادامه می دهند (باباجانی، ۱۳۹۴).

همچنین نتایج پژوهش های داخلی (صفایی، ۱۳۸۶، خدای پور و زینالی، ۱۳۸۶) و پژوهش های خارجی (وانگ، ۱۹۹۹، شیک، ۲۰۰۷، لی و وانگ، ۲۰۰۹) موید نامناسب بودن روش های سنتی بودجه ریزی با توجه به شرایط و مقتضیات زمان حال بوده و نشان می دهد که این روش ها، نیازهای تصمیم گیرندگان و مدیران در سطوح مختلف را برای مدیریت عملیات و برنامه ها مرتفع نمی کند.

۲- تعریف بودجه از دیدگاه قانونی:

تاکنون چهار تعریف در قانون محاسبات عمومی کشور راجع به بودجه مطرح گردیده که جدیدترین آنها مربوط به قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ مجلس شورای اسلامی می باشد. در ماده یک این قانون، بودجه ی کل کشور چنین تعریف شده است: " بودجه کل کشور برنامه مالی است که برای یک سال مالی تهیه می گردد و حاوی پیش بینی درآمدها و سایر منابع تامین اعتبار و برآورد هزینه ها برای انجام عملیات است که منجر به نیل به سیاست ها و هدف های قانونی می شود و از سه قسمت به شرح ذیل تشکیل شده است:

۱- بودجه ی عمومی دولت که شامل اجزای زیر است:

الف) پیش بینی دریافت ها و منابع تامین اعتبار که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در سال مالی قانون بودجه از طریق حساب های خزانه داری کل واریز می گردد.

ب) پیش بینی پرداخت هایی که از محل درآمد عمومی یا اختصاصی برای اعتبارات جاری و عمرانی و اختصاصی دستگاه های اجرایی می تواند در سال مالی مربوط انجام دهد.

۲- بودجه ی شرکت های دولتی و بانک ها، شامل پیش بینی درآمد ها و سایر منابع اعتبار.

۳- بودجه ی موسساتی که تحت عناوینی غیر از عناوین مذکور در بودجه ی کل کشور منظور می شود."

۳- ساختار بودجه

بودجه عبارت است از برنامه عملیات بر حسب مقادیر و برای یک دوره معین از زمان به طور کلی بودجه ها دو نقش اصلی دارند؛ یکی اینکه مجوز خرج اند، به این معنی که به مدیران اجازه می دهند که در قسمت های سازمان خود مقادیری از هزینه را به حساب بگذارند و دیگر اینکه عامل مقایسه عملکرد جاری اند، مانند معیاری که می توان عملیات جاری را با آن کنترل کرد. این دو نقش در سیستم برنامه ریزی و کنترل بودجه ای در هم می آمیزد؛ دو ابزاری که برای بقای هر سازمانی حیاتی است. برنامه ریزی عملیات سازمان، این اطمینان را به دست می دهد که سازمان در مسیر درست قرار دارد. کارکنان سازمان هم هدف های معینی دارند که باید به آن برسند. در نبود برنامه رسمی، سازمان در مسیر مناسبی قرار ندارد، مدیران هم از هدف ها و مسئولیت های خود آگاهی ندارند، ضمن اینکه هیچ کدام از تناسب عملیات خود با دیگر مدیران سازمان، ارزیابی درستی نخواهند داشت. (Scarlett, 2005)

۳-۱- بودجه ریزی متداول:

بودجه بندی متداول که در نیمه اول قرن بیستم در همه کشورها مرسوم بود، مصرف منابع را به اهداف دولت پیوند نمی داد و تنها بر عدم جابجایی اعتبارات در فصول و مواد هزینه و کنترل آنها تاکید داشت. بنابراین، سیستم حسابداری مورد نیاز برای نگهداری حساب و کنترل این نوع بودجه بندی، از ویژگی هایی نظیر استفاده از مبنای نقدی یا نقدی تعدیل شده و سیستم دفتر داری یک طرفه برخوردار بوده است و حوزه عمل حسابرسی در این نظام بودجه بندی به رسیدگی و اظهار نظر در خصوص رعایت قوانین و مقررات، محدودیت های بودجه ای و حصول

اطمینان از صحت و اصالت رویدادهای مالی محدود می شود که از طریق حسابرسی رعایت و حسابرسی مالی تحقق می یابد. (باباجانی، ۱۳۹۴)

مراحل تهیه و تنظیم بودجه متداول:

مراحل تهیه و تنظیم بودجه متداول را می توان به شرح زیر بیان نمود:

۱- شناسایی کامل وضع موجود دستگاه اجرایی.

- شناسایی کلیه اموال و دارایی های متعلق به وزارتخانه.
- هزینه های دستگاه به تفکیک.
- اطلاعات مربوط به استخدام کارکنان.
- اطلاعات مربوط به درآمدهای دستگاه.
- مصرف ارز سال قبل به تفکیک کالا و خدمات.
- تعهدات منتقل شده از سال قبل به سال جاری به تفکیک کالا و خدمات.
- داشتن اطلاعات از امکانات ارزی کشور.

۲- پیش بینی نیازها برای سال بودجه.

۳- تبدیل نیازهای پیش بینی شده به ارزش پولی. (فرج وند، ۱۳۷۷)

۳-۲- بودجه ریزی افزایشی:

این روش با شیوه تغییرات جزئی در تصمیم گیری انطباق دارد. طبق این روش، برای تصمیم گیری جدید به تصمیم هایی که قبلا در زمینه مورد نظر گرفته شده مراجعه و با توجه به نیازهای موجود، تغییراتی جزئی در آنها داده می شود.

بودجه ریزی افزایشی برای اجتناب از مشکلات ناشی از کار عظیم و پر دردسر بودجه نویسی سالانه ابداع شده است. (فرج وند، ۱۳۷۷)

در این سبک حجم عملیات دستگاه را ثابت فرض می کنند و افزایش یا کاهش هزینه ها را در برابر حجم عملیات ثابت مقایسه و برآورد می نمایند که به "نگهداشت سطح عملیات" موسوم است. در صورتی که وظیفه جدیدی به دستگاه اجرایی محول گردد، آثار مالی آن به تفکیک در بودجه منظور می گردد که آن را توسعه عملیات گویند. این روش در برآورد هزینه های سال بعد (سال بودجه) بسیار موثر است و می تواند به عنوان یک ابزار سریع در تخمین برآورد هزینه ها کمک شایان توجهی نماید. اساس کار متکی بر اعطای اعتبارات سال قبل است که در سال بعد (سال بودجه) تغییرات حاصل از نرخ تورم و تعدیل قیمت کالاها و خدمات (نگهداشت سطح) برآورد و توسعه عملیات کمی و کیفی به آن اضافه میگردد و گاهی اوقات وظیفه یا کار جدیدی به دستگاه محول می شود که از جمع سه عامل نگهداشت سطح، توسعه عملیات و کار جدید به جمع کل بودجه در سال بعد دسترسی می یابیم. (فرزیب، ۱۳۷۷)

۳-۳- بودجه ریزی برنامه ای:

سیستم بودجه بندی بر مبنای برنامه در سال ۱۹۴۹ در امریکا و به منظور اصلاح مدیریت سازمان های دولتی مطرح شد در این سبک بودجه بندی، عملیات سازمان به شکل برنامه کار تنظیم و برای هر برنامه اعتباری در نظر گرفته می شود. ضمن اینکه این مدل بودجه بندی بیشتر در بخش عمومی و سازمان های غیرانتفاعی مورد استفاده قرار می گیرد و به وسیله آن از هزینه های اضافی جلوگیری می شود و در عین حال این اطمینان ایجاد می شود که هزینه ها برای برنامه هایی مصرف می شود که دقیقا بیشتر سودآور باشند. از آنجا که بودجه بندی سنتی، چه در بخش عمومی و چه در بخش خصوصی، کاملا ورودی محورند، تاکید اصلیشان بر کنترل های مالی تفصیلی است و در عین حال به واحدهای سازمانی موجود از جمله دوایر و قسمت ها توجه دارند. بودجه بندی بر مبنای برنامه، برعکس این سیستم براساس برنامه یا مجموعه فعالیت ها با یک هدف مشترک عمل می کند و به همین دلیل آن را هدف محور می نامند، چرا که به نتیجه نهایی کار تمرکز دارد. در این نوع بودجه بندی، محصول نهایی خدمات سازمان است و به ورودی سیستم توجه کمتری مبذول می شود. مزیت عمده آن نیز تخصیص کاملا منظمی بودجه به هدف های سازمان است. (Gordan and Sellers, 2002)

مهمترین ویژگی های این سیستم را می توان به شرح زیر بیان نمود: (باباجانی، ۱۳۸۱).

۱- بر مصرف منابع تاکید دارد.

۲- برنامه ها و فعالیتها برای نیل به هدفها تعیین می شود.

- ۳- اعتبارات بر حسب برنامه ها پیش بینی می شود.
- ۴- هدف ها، وظایف و مقاصد در این نوع بودجه بندی مشخص می شود.
- ۵- فاقد رابطه ای سیستماتیک در وظایف و ساختار بودجه ای است.
- ۶- دارای مسئولیت پاسخگویی مالی و قانونی است.
- ۷- مبنای حسابداری عمدتاً تعهدی یا تعهدی تعدیل شده است.
- ۸- دارای نظام حسابرسی مالی و رعایت است.

۳-۴- بودجه ریزی عملیاتی:

سیستم بودجه بندی عملیاتی از سال ۱۹۷۰ در ایالت های امریکا به عنوان یک ابداع و نوآوری و به منظور تحول در نظام بودجه بندی تعریف شد. (خدای پور و زینالی، ۱۳۸۶). مجلس امریکا در سال ۱۹۹۴ بودجه ریزی بر مبنای عملکرد را این گونه تعریف کرد که "بودجه عملیاتی از عباراتی مثل وظیفه، هدف و قصد استفاده می کند تا توضیح دهد چرا پول خرج می شود. این یک راه برای تخصیص منابعی است که برای دستیابی به مقاصد خاصی مبتنی بر هدف های برنامه و نتایج، حساب شده باشد." (Mulen, 2000). بنابراین می توان بیان کرد که بودجه بندی بر مبنای عملکرد عبارت است از برنامه سالانه به همراه بودجه سالانه که رابطه میان وجوه تخصیص یافته به هر برنامه و نتایج به دست آمده از آن برنامه را نشان می دهد (پناهی، ۱۳۸۶). یعنی با میزان مشخصی مخارج انجام شده در هر برنامه، باید مجموعه ای معین از هدف ها تامین شود. (باباجانی، ۱۳۸۷).

اساس بودجه عملیاتی بر پایه چهار اصل زیر استوار است:

الف- روش اندازه گیری کار

ب- حسابداری قیمت تمام شده

ج- استفاده از نرم ها

د- استفاده از استانداردها

با استفاده از روش های فوق هزینه هر واحد عملیاتی به راحتی روشن می شود. (احمدی، ۱۳۸۲)

الزامات بودجه ریزی عملیاتی

- ✓ تدوین برنامه راهبردی.
- ✓ ایجاد الزام قانونی.
- ✓ اطلاعات و شاخص های معتبر عملکرد.
- ✓ تغییر مناسب سیستم حسابداری.
- ✓ تبیین سیستم های اطلاعات مدیریتی.
- ✓ ایجاد ساختار سازمانی و شیوه های مدیریتی متناسب.
- ✓ آموزش فنی گسترده (پناهی، ۱۳۸۶).

مشکلات اجرای بودجه ریزی عملیاتی در سازمان های دولتی

- ❖ ضعف در تهیه اطلاعات معنادار
- ❖ تولید اطلاعات مازاد و بی فایده
- ❖ تمایل سازمان های نظارتی جهت کنترل دقیق روی اقلام هزینه ای به خاطر اجبار به پیروی از قانون بودجه.
- ❖ ناکامی در اعمال این اصلاحات وسیع تر بودجه به ویژه اصلاحات مربوط به افزایش تفویض اختیارات.
- ❖ فقدان تلقی واحد از مفهوم بودجه عملیاتی در سطح سازمان ها و سطح کلان کشور.
- ❖ نبود متولی قدرتمند و وجود قوانین متعدد و احیاناً متناقض.
- ❖ تعریف نشدن و تفکیک نکردن وظایف حاکمیتی و تشریح سایر وظایف (وظیفه ارشادی).
- ❖ توجه نکردن به تحقق مقدمات اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری.
- ❖ ضعف در تعیین شاخص های اندازه گیری عملکرد.

- ❖ ضعف در تعیین هدف های کمی هر برنامه و فعالیت به منظور اندازه گیری آن ها.
- ❖ توجه بیشتر به نظارت عملیاتی و بررسی عملیات دستگاه های اجرایی و مقایسه آن ها با اهداف کمی موافقت نامه های متبادله و هدف های کمی برنامه ها و فعالیت ها به منظور ممانعت از انحراف حین اجرا از اهداف برنامه.
- ❖ استقرار نظام ارزیابی عملکرد نتیجه محور و عملکرد گرا به جای نظام ارزیابی فرآیندگرا (آذر و وفايي، ۱۳۸۹)

۳-۵-بودجه ریزی بر مبنای صفر:

سیستم بودجه ریزی بر مبنای صفر از سال ۱۹۷۰ در آمریکا در کنگره پیشنهاد شد. این روش بودجه ریزی تاکیدش بر رعایت تناسب حجم عملیات دستگاهها و موسسات دولتی با وظایف محول شده به آنها می باشد و در واقع یک نوآوری در امر مدیریت اداری ارگان های دولتی و نیز مکملی بر سیستم p.p.b.s می باشد. در این روش هدف این نیست که تمام عملیات از نو مورد بررسی و بازنگری قرار گیرد. بلکه معیار عملکرد سال قبل و میزان جذب اعتبارات سال گذشته را منسوخ می شمارد. کنترل هزینه های عمومی مسئولیت ها را توأم با اختیارات به واحدهای تصمیم گیری واگذار می کند و حرکت بودجه نویسی از پایین ترین سطح هرم حرکت و در هر یک از رده های تصمیم گیری مورد بازنگری و تعدیل قرار می گیرد تا در نهایت در راس هرم بودجه نهایی می گردد. (فرزیب، ۱۳۷۷)
مهمترین مزایای این سیستم می تواند به شرح زیر باشد: (Lee and Shim, 1984)

- ✓ از ساده انگاری موجود در رویکرد بودجه افزایشی که فرض می شود اقدامات آینده خیلی شبیه اقدامات جاری اند، جلوگیری می کند؛
- ✓ رویکردی سؤال مدارانه را تشویق می کند، یعنی تنها به هزینه انجام فعالیت توجه نمی کند، بلکه به مزیت هایی که فعالیت ایجاد می کند هم نظر دارد. به این ترتیب، مدیران با بررسی مزیت ها به تفکر بیشتر راجع به فعالیت ها می پردازند؛
- ✓ مشارکت تعداد زیادی از کارکنان برای تهیه مجموعه های تصمیم که ممکن است ایده های مفیدی شود و رضایت کاری مناسبی نیز برای آنها فراهم کند؛ و
- ✓ از آنجا که ابتدا محصول تعیین و سپس منابع و درآمدهای لازم برای دستیابی به آن تعیین می شود، لذا به نظر می رسد که رسیدن به هدف با قطعیت بیشتری انجام گردد.

۳-۶-بودجه ریزی بر مبنای فعالیت:

این سیستم که یکی از اجزای تکنیک های مبتنی بر فعالیت است، بر این منطق استوار است که مدیریت و کنترل هزینه باید به جای ورودی چرخه، روی خروجی آن برقرار شود. یعنی، مانند سیستم بودجه بندی بر مبنای صفر، از محصول مورد بودجه شروع و به عقب برمی گردد تا به فعالیت ها و منابع مورد نیاز برسد. این تکنیک، بیشتر در سازمان های خدماتی، بخش های عمومی، موسسه های غیر انتفاعی و هزینه های غیرمستقیم محیط های تولیدی کاربرد دارد. این روش، چارچوب درخور فهمی از ارتباط بین مبلغ هزینه و سطح فعالیت را به دست می دهد. البته، این مدل با مدل سنتی جمع پذیر نیستند. هر دو مدل را می توان به موازات هم یا به صورت به هم پیوسته، مورد استفاده قرار داد. در این نوع سیستم، در اولین مرحله هدف های اساسی و مورد نظر دولت اولویت بندی و تعیین می گردد و سپس با تجزیه و تحلیل های لازم به منظور دستیابی به این هدف ها، فعالیت ها برای رسیدن به اهداف مورد نظر شناسایی می گردند. در مرحله بعد، هزینه های لازم برای اجرای فعالیتهای فوق برآورد می گردد و در نهایت و در مرحله آخر، درآمدها برای انجام هزینه های دولت، پیش بینی می شود. (Sastry, and King, 2005)

مزیت اصلی این نوع سیستم در مقایسه با سیستمهای سنتی این است که در آن روشها، ابتدا درآمدها پیش بینی و سپس با توجه به درآمدهای در نظر گرفته شده، هزینه ها، عملیات و هدفها در بودجه در نظر گرفته می شود. در جدول ۱ مقایسه ای بین مهمترین ویژگی های انواع تکنیک های بودجه بندی انجام گرفته است.

جدول ۱- مقایسه بین مهمترین ویژگی های انواع تکنیک های بودجه بندی

منبع: (خان محمدی و ناصرآبادی، ۱۳۹۰)

ویژگی	سیستم بودجه بندی سنتی یا متداول	سیستم بودجه بندی افزایشی	سیستم بودجه بندی برنامه ای	سیستم بودجه بندی عملیاتی	سیستم بودجه بندی بر مبنای صفر	سیستم بودجه بندی بر مبنای فعالیت
محتوی	هزینه ها بر مبنای اقلام سال گذشته	هزینه ها بر مبنای هریک از اقلام ورودی	هزینه ها در قبال مجموعه ای از فعالیت ها در راستای یک هدف خاص	ارائه زنجیره ای نتیجه محور برای دستیابی به یک هدف خاص	هزینه ها در قبال اهداف در نظر گرفته شده جهت دستیابی به آنها	خروجی محور و هزینه ها در راستای انجام فعالیت ها
شکل	گذشته نگر و در راستای دستیابی به اهداف منظور شده در سال قبل	درونداد های سرمایه ای و عملیاتی خریداری شده	هزینه ها برای برنامه ها	داده هایی در مورد دروندادها، ستانده ها، تاثیرات و دستیابی به هر هدف	آینده نگر، با فرض دستیابی به طور صد در صد به اهداف	هزینه ها بر مبنای فعالیت ها و در راستای تحقق اهداف
گرایش	گذشته نگر و اعمال کنترل بر دروندادها با توجه به سال پایه	کنترل دروندادها	اعمال کنترل بر دروندادها	تمرکز بر نتایج	تمرکز بر اهداف	فعالیت محور در راستای دستیابی به اهداف
مبنای حسابداری مورد نیاز	نقدی	نقدی یا نقدی تعدیل شده	تعهدی تعدیل شده	تعهدی مبتنی بر جریان منابع اقتصادی	تعهدی مبتنی بر جریان منابع اقتصادی	تعهدی مبتنی بر جریان منابع اقتصادی
حسابرسی مورد نیاز	حسابرسی رعایت و مالی	حسابرسی رعایت و مالی	حسابرسی رعایت و مالی	حسابرسی عملکرد	حسابرسی عملکرد	حسابرسی عملکرد

۴- جمع بندی و نتیجه گیری:

در این مقاله به معرفی و تشریح انواع رویکردهای بودجه ریزی پرداخته شد. صرف نظر از هدف ها و چالشهای موجود در هر کدام از شیوه های بودجه ریزی، نقش آفرینان اصلی این فرآیندها و شرایط لازم برای موفقیت آنها نیز متفاوت است. برای مثال، در بودجه افزایشی با وجود نیاز به زمان و تخصص حسابداری اندک، می توان موفقیت آن را تضمین کرد. در صورتی که اجرای موفقیت آمیز بودجه ریزی عملیاتی منوط به ایفای نقش کلیه سطوح سازمانی در تخصص های مختلف است، به هر حال، اهمیت هر کدام از شیوه های بودجه ریزی نه به شکل و حتی هدف گذاری ها، بلکه در اجرای دقیق آنها و میزان انطباقشان با بسترهای قانونی، مالی و مدیریتی هر سازمان، دستگاه یا کشوری است که آن شیوه قرار است در آن اجرایی شود. از میان تکنیکهای معرفی شده، به نظر می رسد که مدل بودجه بندی افزایشی و بودجه بندی سنتی به دلیل نبود شفافیت و کارایی در دستیابی به اهداف و نتایج مورد انتظار و همچنین مدل بودجه بندی بر مبنای صفر و بودجه بندی بر مبنای فعالیت، به دلیل زمان بر و هزینه بر بودن و امکان فزونی مخارج بر منافع آن، در حال حاضر کمتر مورد استفاده دولت ها واقع گردیده اند. اما بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در تلاشند نظام بودجه بندی خود را در یک فرآیند بهبود یا تغییر به نظامی عملکرد محور یا عملیاتی که در آن ارتباط بین اعتبارات بودجه ای و عملکرد دستگاه های اجرایی شفاف و مفهوم است، نزدیک تر سازند و از این طریق اطلاعاتی معتبر و درخور اطمینان برای تصمیم های بودجه ای دولت و مجلس فراهم آورند.

منابع:

- ۱- احمدی، علی محمد. (۱۳۸۲). اصول و مبانی بودجه ریزی، چاپ اول، ص ۴۰۲-۵۰۲.
- ۲- آذر، عادل؛ وفایی، امیر. (۱۳۸۹). بررسی عوامل موثر بر اثربخشی نظام بودجه ریزی عملیاتی در سازمان های عمومی، فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، جلد ۱۵، شماره ۱۱۰، ص ۷۹-۹۸.

- ۳- باباجانی، جعفر. (۱۳۸۱). ارزیابی مسوولیت پاسخگویی نظام حسابداری و گزارشگری مالی دولت جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۴- باباجانی، جعفر. (۱۳۸۱). حسابداری پیشرفته بخش عمومی با رویکرد گزارشگری مالی چند سطحی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۵- باباجانی، جعفر. (۱۳۸۷). نقش حسابداری و حسابرسی در استقرار نظام بودجه ریزی عملیاتی، مقاله ارائه شده در دومین کنفرانس بین المللی بودجه ریزی عملیاتی.
- ۶- پناهی، علی. (۱۳۸۶). بودجه ریزی عملیاتی در نظریه و عمل، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
- ۷- خان محمدی، محمد حامد؛ ناصرآبادی، دلیر. (۱۳۹۰). نگرش مفهومی بر انواع تکنیک های بودجه بندی و سودمندی به کارگیری آنها برای دولت، مجله حسابرسی، شماره ۵۳.
- ۸- خدابی پور، احمد؛ زینالی، مهدی. (۱۳۸۶). سیستم بودجه بندی بر مبنای عملکرد و اثر آن بر عملکرد مسوولیت پاسخگویی دولت، مجله حسابرسی، شماره ۳۷.
- ۹- فرزیب، علیرضا. (۱۳۷۷). بودجه ریزی دولتی در ایران، تهران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ ششم، ص ۳۶۷.
- ۱۰- فرج وند، اسفندیار. (۱۳۷۷). فراگرد تنظیم تا کنترل بودجه، تبریز، انتشارات احرار، چاپ اول، ص ۲۰۳.
- ۱۱- صفایی، علی. (۱۳۸۶). بودجه ریزی عملیاتی و بسترهای مورد نیاز آن، فصلنامه حسابرسی، شماره ۳۷، ص ۴۸-۴۹.
- 12- Gordan, A., Sellers, F. E. (2002). Account- ing and Budgeting Systems: The Is- sue of Congruency, Journal and Public Policy.
- 13- Lee S. M., Shim J. P. (1984). Zero Based Budgeting- Dealing With Conflicting Objectives, Long Range Planning, Vol. 17, Issue 5, pp. 103-110.
- 14- Lee, j. . worng, X. (2009). Assessing the impact of performance – based budgeting . A comparative Analysis across the united states, Taiwan and china, public administration review, special Issve, pp.67-66.
- 15- Mulen, P.(2000). Performance Based Bud- geting: the Contribution of the Pro- gram Assessment Rating Tool, Journal of Public Budgeting and Finance.
- 16- Sastry S., King, S. (2005). Competing for Funds in Austere Times: How to Win With Performance-Based Budgeting, The Journal of Government Financial Management.
- 17- Scarlett, B. (2005). Management Accounting Performance Evaluation, CIMA Pub- lication, pp. 312-323.
- 18- Schick, A. (20007). Performance Budgeting and Accrual Budgeting: Decision Rules or Analytic Tools? OECD Journal On Budgeting, Vol. 7, No. 2, pp. 109-138.
- 19- Wang, H. (1999). Conditions to Implement Outcome-Oriented Performance Budgeting: Some Empirical Evidence. Journal of Public Budegting, Accounting and Financial Management, Vol. 11, No. 4, pp. 533-552.

The Evolution of the Budget in the Public Sector

Fereshteh Shirdeli^{1*} and Alireza Shirdeli²

1Master of Accounting, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

2Master of Management, Islamic Azad University of Zahedan, Zahedan, Iran

*Corresponding Author: shirdeli.fereshteh72@gmail.com

Abstract

the budgeting system has been introduced as one of the most effective sub-systems in the accountability system of major public sector entities, and from the late stages of the determination of the extent and level of performance and assessment of the accountability process has been provided. A glimpse into the evolution of budgetary developments in different countries illustrates the solidity of budgeting developments with developments in the accountability system. It is also necessary to reform the economic structure of the public sector, to reform its budgeting methods and distribute its resources. Since the purposeful assignment of credit to the activities of each organization can, by clarifying the distribution of resources, allow for operational monitoring and waiting for access to cost results, using an effective and appropriate budgeting method will be an effective step in increasing efficiency and the effectiveness of the credits will be. Given the increasing movement in public sector services, the reform of the budgeting process, based on cross-sectoral coordination, is among the goals of the Office of Financial and Budget Planning, and this is only in the context of interaction and creation the common language of planning and budgeting will be possible in the budgeting process. In this context, we consider the necessities and concepts related to the budget, provide a platform for cooperation and cooperation between the subsectors of the public sector in achieving a suitable method of distribution of credit.

Keywords:

Traditional budgeting, incremental budgeting, program budgeting, operational budgeting, activity-based budgeting.